

دیدهبان منطقه

شماره دوم

هفته نامه رصد و تحلیل تحولات منطقه غرب آسیا

هفته چهارم تیرماه ۱۴۰۵

اسرائیل در نظم جدید عربستان

وایران چه جایگاهی دارد؟ صفحه ۳



حماس انحلال شورای اداری

غزه را اعلام کرد. صفحه ۷



عون در مورد سلاح های حزب الله

به ترامپ چه خواهد گفت؟ صفحه ۱۶



تحلیلگران می گویند ایده ترامپ برای

مقابله سوریه با حزب الله، خطر دوباره

باز شدن زخم ها را به همراه دارد. صفحه ۱۷



ماکرون به دمشق سفر کرد و پیشنهاد

بازسازی اقتصادی سوریه را داد. صفحه ۲۰



ترامپ فروش جت های اف ۳۵ به ترکیه را در دستور کار قرار داده است. صفحه ۲۲

نتانیاهو هشدار داد که آمریکا می تواند توازن قدرت در خاورمیانه را «نابود» کند،
در حالی که ترامپ فروش جت های اف ۳۵ به ترکیه را در دستور کار قرار داده است.

مرکز تحلیل
راهبردی و بین المللی





فهرست

-
- | | |
|----|---|
| ۱ | سخن سردبیر |
| ۳ | جایگاه اسرائیل در نظم جدید ایران و عربستان |
| ۵ | جنگ گمراه کننده و توافقی ناقص |
| ۷ | انحلال شورای اداری غزه توسط حماس |
| ۹ | تفسیر واگذاری اداره غزه به کمیته تکنوکرات |
| ۱۰ | باج گیری از طریق گذرگاه آبی |
| ۱۱ | احتمال دور زدن تنگه هرمز توسط خط لوله نفت |
| ۱۲ | نزدیک شدن جهان به انزوای اسرائیل |
| ۱۴ | رد هرگونه آینده‌ای برای حزب‌الله توسط مکرون |
| ۱۶ | پاسخ عون به ترامپ در مورد سلاح‌های حزب‌الله |
| ۱۸ | خطر باز شدن زخم‌ها در صورت مقابله سوریه با حزب‌الله |
| ۱۹ | گفتگوی مکرون در سوریه پیش از اجلاس ناتو در ترکیه |
| ۲۰ | پیشنهاد کمک به بازسازی اقتصاد سوریه توسط مکرون |
-

فهرست

- هشدار برهم خوردن توازن در خاور میانه در صورت فروش جنگنده اف ۳۵ به ترکیه ۲۲
- لغو تحریم های ترکیه و بررسی فروش اف ۳۵ به آن ۲۴
- طرح ممنوعیت تجارت با شهرهای اسرائیلی ۲۵
- چرا بریتانیا باید نتانیا هورا تحریم کند؟ ۲۷
- مذاکره شرکت رافائل با وزارت دفاع هند ۲۹
- نظرو زیر امور خارجه ترکیه درباره سوریه ۳۰
- هدف قرار گرفتن ۱۰ زیرساخت حزب الله در جنوب لبنان ۳۱
-

ISA CENTER

International & Strategic
Analysis Center



سختن سردبیر

تمام اقدامات رژیم صهیونیستی را پس از طوفان الاقصی را می توان در چهارچوب تغییر نظم جهانی ادراک کرد. این رژیم دلالت تغییر نظم برای خود را تضعیف و مهار ایران می داند. به همین دلیل نیز در تقابل مستقیم با ایران قرار گرفته است.

ایالات متحده آمریکا نیز در راستای ایده مدیریت از راه دور منطقه غرب آسیا که در سند امنیت ملی اخیر خود منتشر کرده، به دنبال تثبیت موقعیت رژیم صهیونیستی در منطقه است؛ که یکی از مسیرهای دستیابی به این مهم، تضعیف ایران است.

همچنین هر دو بازیگر به دنبال گسترش روابط رژیم صهیونیستی با سایر بازیگران منطقه هستند. رژیم صهیونیستی در راستای پیگیری انزوای ایران و بسط حضور خود در منطقه که از آن در برنامه کاری ۲۰۲۶ خود به عنوان یکی از اهداف وزارت امور خارجه بیان کرده، در حال پیگیری عضویت و اجرای کامل پروژه راهبردی IMEC است.

اما ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در این مسیرها با چالش های جدی مواجه هستند. یکی از این چالش ها، تسلیم نشدن ایران و شکست آن ها در برابر جمهوری اسلامی است. به طوری که در تمام نظر سنجی های صورت گرفته در سرزمین های اشغالی، غالب افراد رژیم و آمریکا را در حوزه تاکتیک پیروز جنگ و در حوزه راهبردی بازنده جنگ می دانند.

بررسی مجموعه تحولات اخیر غرب آسیا نشان می دهد که منطقه در حال عبور از یک دوره گذار تاریخی است؛ دوره ای که در آن بسیاری از معادلات امنیتی و سیاسی گذشته دیگر کارایی سابق را ندارند. آمریکا و رژیم طی سال های اخیر تلاش کردند با ایجاد ائتلاف های جدید، گسترش توافق نامه های ابراهیم و افزایش فشار بر ایران و محور مقاومت، نظم امنیتی مطلوب خود را در منطقه تثبیت کنند. اما روند تحولات نشان می دهد این پروژه با موانع جدی روبه رو شده و بسیاری از اهداف اولیه آن به طور کامل محقق نشده است.

یکی از مهم ترین نشانه های این تغییر، رفتار کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. این کشورها اگرچه همچنان روابط امنیتی و سیاسی خود با آمریکا و رژیم را حفظ کرده اند، اما همزمان تلاش می کنند روابط خود با ایران را نیز مدیریت کنند. افزایش تماس های دیپلماتیک با تهران، پرهیز از ورود به تقابل مستقیم و اولویت



دادن به ثبات اقتصادی و امنیت انرژی، نشان می‌دهد دولت‌های منطقه بیش از گذشته واقعیت‌های جدید قدرت را پذیرفته‌اند. آنها دریافته‌اند که امنیت پایدار تنها از مسیر ائتلاف‌های نظامی حاصل نمی‌شود و ناگزیر باید بازیگران مؤثر منطقه را نیز در معادلات خود لحاظ کنند.

در همین چارچوب، محور مقاومت همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر موازنه قدرت در غرب آسیاست. با وجود فشارهای نظامی، تحریم‌های اقتصادی، عملیات اطلاعاتی و تلاش برای محدود کردن بازیگرانی مانند حزب الله، حماس و ایران، این جریان همچنان توانسته نقش خود را در معادلات منطقه حفظ کند. همین مسئله موجب شده بسیاری از طرح‌های آمریکا و رژیم، از گسترش توافق نامه‌های ابراهیم گرفته تا تغییر ساختار امنیتی لبنان و کاهش نفوذ ایران، با چالش‌های جدی مواجه شوند و هزینه اجرای آنها افزایش یابد.

همزمان، تحولات اخیر نشان می‌دهد که نفوذ آمریکا در منطقه نسبت به گذشته با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو شده است. بسیاری از بحران‌هایی که پیش‌تر از طریق فشار نظامی یا ائتلاف‌سازی مدیریت می‌شد، امروز بیش از گذشته به سمت مذاکره، مدیریت بحران و راه‌حل‌های سیاسی سوق پیدا کرده‌اند. این تغییر، صرفاً ناشی از اراده بازیگران نیست، بلکه نتیجه شکل‌گیری موازنه‌ای جدید است که امکان تحمیل یک جانبه اراده قدرت‌های فرامنطقه‌ای را دشوارتر کرده است.

از سوی دیگر، رژیم نیز با چالش‌های فزاینده‌ای روبه‌رو شده است. تداوم جنگ‌ها، افزایش انتقادهای بین المللی، بازگشت مسئله فلسطین به صدر دستور کار جهانی و افزایش فشارهای سیاسی و حقوقی، موجب شده هزینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست‌های تل‌آویو افزایش یابد. حتی در میان برخی کشورهای غربی و بخش‌هایی از افکار عمومی و نخبگان یهودی نیز انتقاد از عملکرد رژیم رو به گسترش است؛ روندی که در صورت استمرار می‌تواند فضای بین‌المللی را بیش از گذشته به سمت محدود شدن قدرت مانور سیاسی و دیپلماتیک این رژیم سوق دهد.

در مجموع، آنچه از این مجموعه تحولات قابل برداشت است، حرکت تدریجی منطقه به سمت موازنه‌ای جدید است. در این روند، محور مقاومت همچنان یکی از بازیگران اثرگذار در تعیین روندهای منطقه‌ای باقی مانده است. اگر این روند ادامه یابد، احتمالاً آینده غرب آسیا بیش از آنکه بر پایه هژمونی یک قدرت خارجی شکل بگیرد، بر اساس موازنه میان بازیگران منطقه‌ای و واقعیت‌های جدید قدرت تعریف خواهد شد.



اسرائیل در نظم جدید عربستان و ایران جایگاهی دارد.

پس از حملات ایران به برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در جریان جنگ ایران و اسرائیل، انتظار می رفت روابط ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای سال ها تیره شود و این کشورها بیش از گذشته به اسرائیل نزدیک شوند. اما روند تحولات برخلاف این پیش بینی پیش رفت و بسیاری از دولت های عربی به این نتیجه رسیدند که سیاست مهار و انزوای ایران نه تنها امنیت ایجاد نکرده، بلکه به جنگی پرهزینه منجر شده و محدودیت های حمایت امنیتی آمریکا را نیز آشکار ساخته است.

در نتیجه، کشورهای منطقه به دنبال ایجاد یک چارچوب امنیتی جدید با مشارکت ایران هستند. قطر از شکل گیری سازوکاری مشترک برای امنیت منطقه و گسترش همکاری های اقتصادی با ایران سخن گفته و عربستان نیز در حال آماده سازی نشست هایی میان ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس با هدف دستیابی به توافق عدم تعرض، تقویت امنیت دریایی و اجرای اقدامات اعتمادساز بر اساس الگوی توافقات هلسینکی است. هدف نهایی، شکل گیری یک نظم امنیتی منطقه ای با اتکا به همکاری کشورهای منطقه و کاهش وابستگی به تضمین های نظامی آمریکا است.

چنین روندی نشان می دهد که کشورهای خاورمیانه در حال پذیرش مسئولیت بیشتری برای تأمین امنیت خود هستند و در صورت دستیابی ایران و آمریکا به توافقی که به رفع تحریم ها و ادغام مجدد ایران در اقتصاد و سیاست منطقه منجر شود، یکی از مهم ترین دلایل حضور گسترده نیروهای آمریکایی در منطقه نیز از میان خواهد رفت و زمینه برای کاهش نقش امنیتی واشنگتن فراهم می شود.

در عین حال، شکل گیری نظم جدید نباید به ایجاد جبهه ای تازه برای انزوای اسرائیل منجر شود. هرچند اقدامات اسرائیل، از جمله ادامه اشغال سرزمین های فلسطینی، سیاست های توسعه طلبانه و کشتار گسترده فلسطینیان، موجب کاهش جایگاه بین المللی این کشور شده است، اما فشار و انزوا به تنهایی نمی تواند رفتار اسرائیل را تغییر دهد و باید همراه با مسیری روشن برای بازگشت این کشور به همکاری های منطقه ای باشد. بر این اساس، هم زمان با پایان اشغال سرزمین های فلسطینی، باید روند ایجاد یک معماری امنیتی فراگیر در خاورمیانه نیز آغاز شود. این ساختار می تواند با الهام از تجربه توافقات هلسینکی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و آسه آن شکل گیرد و بر اصولی مانند امنیت جمعی، احترام به حاکمیت کشورها، عدم مداخله در امور داخلی، رد سیاست مهار و ممنوعیت تصرف سرزمین از طریق زور استوار باشد.

در این چارچوب، امکان پیوستن اسرائیل به این نظم منطقه ای نیز حفظ می شود، اما تحقق آن منوط به اجرای کامل احکام حقوق بین الملل، پایان اشغال سرزمین های فلسطینی و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ خواهد بود. در مقابل، اسرائیل می تواند از مزایای کامل عضویت در یک



ساختار امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای بهره‌مند شود و حتی ایران نیز در صورت تحقق حقوق فلسطینیان، با حضور اسرائیل در چنین چارچوبی مخالفتی نخواهد داشت.

تحقق این روند می‌تواند هم‌زمان دو منبع اصلی بی‌ثباتی منطقه، یعنی تنش‌های مربوط به ایران در خلیج فارس و مسئله اشغال فلسطین، را مدیریت کند. در چنین شرایطی، آمریکا نیز به جای هدایت و سلطه بر تحولات، می‌تواند با حمایت از این روند، زمینه انتقال مسئولیت امنیت منطقه به دولت‌های خاورمیانه را فراهم کرده و به شکل‌گیری نظامی باثبات‌تر و پایدارتر کمک کند.

تحلیل

این گزارش به خوبی نشان‌دهنده شکست سیاست‌های مهار و انزوای ایران تحت فشار آمریکا و اسرائیل است. حملات ایران در جریان جنگ، کشورهای عربی را به این نتیجه رساند که وابستگی بیش از حد به تضمین‌های امنیتی واشنگتن نه تنها امنیت ایجاد نکرده، بلکه منطقه را به سمت جنگ‌های پرهزینه سوق داده است. محور مقاومت با نمایش قدرت بازدارنده خود، معادلات را تغییر داد و کشورهای منطقه را به سمت جستجوی چارچوب امنیتی بومی با مشارکت ایران سوق داد. این روند، پیروزی استراتژیک مقاومت در کاهش هژمونی آمریکا در خلیج فارس است.

کشورهایی مانند قطر و عربستان اکنون به دنبال توافق عدم تعرض، امنیت دریایی و اعتمادسازی با ایران هستند که دقیقاً نتیجه ایستادگی محور مقاومت در برابر پروژه‌های صهیونیستی-آمریکایی است. این تحولات، وابستگی به آمریکا را کاهش می‌دهد و زمینه را برای نظم منطقه‌ای جدید فراهم می‌کند. رژیم که عامل اصلی بی‌ثباتی از طریق اشغال و جنایات در فلسطین است، در این روند به انزوای بیشتر محکوم خواهد شد مگر اینکه اشغال را پایان دهد.

هرگونه معماری امنیتی فراگیر در منطقه باید بر پایه احترام به حاکمیت، پایان اشغال فلسطین و تشکیل دولت مستقل باشد. محور مقاومت با فداکاری و مقاومت خود، این مسیر را هموار کرده و نشان داده که تنها با پذیرش حقوق ملت فلسطین و خروج نیروهای خارجی می‌توان به ثبات رسید. آمریکا و رژیم صهیونیستی، به عنوان عوامل اصلی تنش، باید هزینه سیاست‌های تجاوزکارانه خود را بپردازند و مقاومت مردمی تضمین‌کننده آینده‌ای عادلانه برای منطقه خواهد بود.

Israel Belongs in the New Saudi-Iranian Order



تاریخ انتشار خبر: ۶ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۵ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: فارن آفرز، تربیتا پارس

برچسب: معماری امنیتی، حقوق بین‌الملل و انزوا



♦ یک جنگ گمراه کننده، یک توافق ناقص و آینده ای خطرناک

از زمان آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ، سیاست آمریکا در قبال ایران ترکیبی از اقدامات موفق و اشتباه بوده است. تشدید تحریم ها، تلاش برای دستیابی به توافقی سخت گیرانه تر درباره برنامه هسته ای ایران و امضای توافق های ابراهیم موجب تقویت همکاری امنیتی میان اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس شد. همچنین برخی تصمیمات نظامی، مانند خودداری از حمله مستقیم به ایران پس از سرنگونی پهپاد آمریکایی و ترور قاسم سلیمانی، بدون کشاندن دو کشور به جنگی گسترده، توانایی های ایران را تا حدی تضعیف کرد. با این حال، خروج از برجام، واکنش نشان ندادن به حمله به تأسیسات نفتی عربستان و تردید درباره ادامه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس از مهم ترین ضعف های این سیاست به شمار می رود.

با تضعیف جایگاه منطقه ای ایران در نتیجه ضربات وارد شده به گروه های هم پیمان آن، سقوط حکومت بشار اسد، آسیب به سامانه های دفاعی و تأسیسات هسته ای ایران و افزایش نارضایتی داخلی، فرصت مناسبی برای افزایش فشار بر تهران به وجود آمده بود. اما به جای استفاده از این شرایط، آمریکا وارد جنگی شد که اهداف اعلام شده آن، از جمله نابودی توان موشکی ایران، پایان دادن به نفوذ گروه های نیابتی و جلوگیری کامل از دستیابی ایران به سلاح هسته ای، محقق نشد و در نهایت نیز با برقراری آتش بس، این فرصت از دست رفت. این روند با بسیاری از اشتباهات تاریخی آمریکا شباهت پیدا کرد. همانند تجربه های گذشته، وعده حمایت از معترضان ایرانی بدون اقدام عملی، آغاز جنگ با اهدافی بلندپروازانه اما بدون برنامه ریزی دقیق، و نادیده گرفتن واکنش های قابل پیش بینی ایران، از جمله تهدید کشتیرانی در تنگه هرمز، باعث شد هزینه های راهبردی آمریکا افزایش یابد. همچنین توافق بعدی با ایران، از نگاه منتقدان، شباهت هایی با توافقی هایی دارد که در گذشته زمینه ساز بحران های جدید و جنگ های بعدی شده بودند.

بر اساس مفاد تفاهم نامه میان آمریکا و ایران، محدودیت های گسترده ای بر حضور نظامی آمریکا در نزدیکی ایران ایجاد می شود، برنامه هسته ای ایران در وضعیت موجود حفظ خواهد شد، بخش بزرگی از تحریم ها لغو می شود و دارایی های مسدود شده ایران آزاد خواهد شد. همچنین ایران می تواند از منابع مالی جدید برای بازسازی توان نظامی و حمایت از گروه های هم پیمان خود استفاده کند و در مدیریت آینده تنگه هرمز نیز نقش رسمی تری به دست آورد. این روند به افزایش نفوذ منطقه ای ایران و کاهش قدرت بازدارندگی آمریکا منجر می شود. ادامه اجرای این توافق می تواند پیامدهای گسترده ای برای موازنه قدرت در خاورمیانه داشته باشد. ایران با حفظ ساختار سیاسی و نظامی خود، موقعیت منطقه ای قدرتمندتری پیدا می کند، آزادی عمل بیشتری در حمایت از متحدانش خواهد داشت و کنترل بیشتری بر امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز اعمال می کند. در مقابل، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ممکن است اعتماد خود را به تعهدات امنیتی آمریکا از دست بدهند و به



تدریج سیاست‌های خود را با افزایش قدرت ایران تطبیق دهند.

برای جلوگیری از این وضعیت، آمریکا باید مذاکرات با ایران را بدون شتاب ادامه دهد و از تبدیل آن به توافق نهایی جلوگیری کند تا هم از بازگشت به جنگ جلوگیری شود و هم فرصت بیشتری برای مدیریت بحران فراهم آید. هم‌زمان، حضور نظامی آمریکا در منطقه باید تقویت شود، ناوهای هواپیمابر و تجهیزات دفاعی در خلیج فارس حفظ شوند، پایگاه‌های نظامی بازسازی و تجهیز شوند و همکاری‌های دفاعی با کشورهای عربی و متحدان اروپایی گسترش یابد تا بازدارندگی در برابر ایران دوباره برقرار شود.

در بلندمدت نیز باید برای دو سناریوی محتمل آماده شد؛ نخست، احتمال وقوع جنگی دیگر میان آمریکا و ایران، زیرا جمهوری اسلامی پس از بازسازی توان نظامی خود ممکن است سیاست‌های تهاجمی‌تری در پیش گیرد، و دوم، احتمال شکل‌گیری دوباره اعتراضات گسترده در داخل ایران. از این رو، آمریکا باید ضمن حفظ فشار بر ایران، از متحدان منطقه‌ای خود حمایت کند، آمادگی نظامی خود را حفظ نماید و برای تحولات احتمالی آینده نیز برنامه‌ریزی کند.

تحلیل

این گزارش ناخواسته اعتراف می‌کند که سیاست‌های آمریکا و رژیم در برابر ایران و محور مقاومت با وجود فشارهای سنگین، در دستیابی به اهداف اصلی خود (نابودی توان موشکی، پایان نفوذ منطقه‌ای و خلع سلاح کامل) شکست خورده است. سقوط اسد و ضربات موشکی، نتوانست ایران را به زانو درآورد و در نهایت آتش‌بس و توافق، فرصت بازسازی و حفظ برنامه هسته‌ای را برای تهران فراهم کرد. محور مقاومت با تاب آوری و پاسخ‌های هوشمندانه، هژمونی آمریکا را به چالش کشید و نشان داد که سیاست مهار و جنگ، تنها به تقویت اراده مقاومت منجر می‌شود.

توافق با ایران که شامل لغو بخش عمده تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌ها و محدودیت بر حضور نظامی آمریکا می‌شود، ضربه‌ای جدی به بازدارندگی واشنگتن و رژیم صهیونیستی است. این روند کشورهای عربی را به سمت کاهش وابستگی به آمریکا سوق می‌دهد و به ایران امکان بازسازی توان نظامی و حمایت از جبهه مقاومت را می‌دهد. رژیم که عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه از طریق اشغال و جنایات است، در این معادلات جدید بیش از پیش منزوی خواهد شد.

آمریکا با تکرار اشتباهات تاریخی (جنگ بدون برنامه، وعده‌های توخالی و استاندارد دوگانه)، تنها هزینه‌های خود را افزایش داده است. محور مقاومت با ایستادگی مردمی و استراتژیک، مسیر را به سمت کاهش نفوذ خارجی و تقویت نظم منطقه‌ای بومی هموار کرده و ثابت کرده که آینده منطقه متعلق به نیروهای مقاوم است، نه به سیاست‌های سلطه‌جویانه واشنگتن و تل‌آویو.

A misguided war, A flawed deal And a dangerous future



تاریخ انتشار خبر: ۲ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۱ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: آتلانتیک کانسیل، ویلیام اف. وکسلر

برچسب: توان نظامی، بازسازی و تعهدات امنیتی



◆ حماس انحلال شورای اداری غزه را اعلام کرد.

حماس اعلام کرده است که کمیته ای را که نزدیک به دو دهه مسئول اداره نوار غزه بود، منحل می کند تا زمینه برای انتقال اداره امور غیرنظامی به «کمیته ملی اداره غزه» (NCAG) فراهم شود. این اقدام یکی از مهم ترین تحولات سیاسی حماس از زمان به دست گرفتن کنترل غزه در سال ۲۰۰۷ به شمار می رود و در راستای اجرای توافقاتی مربوط به دوران پس از جنگ انجام شده است.

پس از برقراری آتش بس با میانجیگری آمریکا، حماس بارها اعلام کرده بود که آماده کناره گیری از اداره روزمره غزه است، هرچند موضوع خلع سلاح این گروه همچنان حل نشده باقی مانده است. در همین چارچوب، رئیس کمیته اضطراری دولت غزه با ارائه استعفای رسمی خود، انحلال این نهاد را اعلام کرد تا روند انتقال مسئولیت های اداری تسهیل شود.

حماس تأکید کرده است که آماده واگذاری کامل مسئولیت های اجرایی و خدماتی به کمیته ملی اداره غزه است تا این نهاد بتواند اداره امور غیرنظامی را برعهده بگیرد. این تصمیم با هدف از میان برداشتن بهانه های اسرائیل برای ادامه حملات و ایجاد شرایط مناسب تر برای پیشبرد مذاکرات سیاسی و بازسازی غزه اتخاذ شده است.

با وجود این تغییر، حماس از نقش سیاسی و نظامی خود در غزه کناره گیری نکرده و تنها از مدیریت مستقیم امور غیرنظامی عقب نشینی می کند. مسئولان کمیته ملی اداره غزه نیز اعلام کرده اند که به محض فراهم شدن امکانات و شرایط لازم، آماده پذیرش کامل مسئولیت اداره این منطقه هستند.

اجرای این انتقال همچنان با موانعی روبه رو است. کمیته ملی اداره غزه تاکنون به دلیل مخالفت اسرائیل نتوانسته وارد غزه شود. در عین حال، اسرائیل هم با ادامه حکومت حماس بر غزه مخالف است و هم در شرایط کنونی واگذاری اداره این منطقه به تشکیلات خودگردان فلسطین را نمی پذیرد؛ موضوعی که آینده ساختار حکمرانی غزه را همچنان نامشخص نگه داشته است.



تحلیل

انحلال کمیته اداره غزه توسط حماس، نمایش هوشیاری سیاسی و انعطاف استراتژیک محور مقاومت است. این اقدام با هدف رفع بهانه‌های رژیم صهیونیستی برای ادامه جنایات و تسهیل بازسازی غزه انجام شده و نشان می‌دهد حماس فراتر از اداره روزمره، بر مقاومت و حفظ نقش سیاسی-نظامی متمرکز است. مقاومت با این تصمیم، ابتکار عمل را حفظ کرده و نقشه‌های رژیم صهیونیستی برای نابودی کامل ساختار حکمرانی فلسطینی را خنثی می‌کند.

رژیم با مخالفت همزمان با حکومت حماس و واگذاری به تشکیلات خودگردان، ماهیت واقعی خود را به عنوان مانع اصلی هرگونه ثبات و حاکمیت فلسطینی آشکار کرده است. واشنگتن و رژیم اشغالگر که به دنبال خلع سلاح مقاومت و تحمیل سلطه هستند، با این تحولات در تنگنا قرار گرفته‌اند. محور مقاومت با حفظ توان نظامی و مردمی، اجازه نخواهد داد غزه به ابزاری برای عادی‌سازی روابط با رژیم تبدیل شود.

این روند، پیروزی دیگری برای جبهه مقاومت است که پس از آتش بس، با وجود فشارهای سنگین، همچنان اراده و انسجام خود را حفظ کرده. حماس با واگذاری امور غیرنظامی، بر اولویت مقاومت تأکید کرده و نشان داده که آینده غزه و فلسطین توسط نیروهای مردمی و مقاوم تعیین خواهد شد، نه توسط دیکته‌های آمریکایی-صهیونیستی. این گام، زمینه را برای تقویت جبهه مقاومت در مراحل بعدی فراهم می‌کند.

Hamas announces dissolution of Gaza governing body



تاریخ انتشار خبر: ۶ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۵ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: الجزیره

برچسب: کمیته ملی، حماس و میانجیگری



اسرائیل اعلامیه حماس مبنی بر واگذاری اداره غزه به یک کمیته تکنوکرات را چگونه تفسیر کرد؟

دفتر رسانه‌ای دولت در نوار غزه روز دوشنبه از استعفای محمد جواد الفرا، رئیس کمیته اضطراری دولت و انحلال رسمی این کمیته خبر داد و اعلام کرد که این اقدام در راستای انتقال وظایف اداری و حاکمیتی در نوار غزه به کمیته ملی اداره غزه صورت خواهد گرفت.

مدل حزب الله

در اولین اظهار نظر رسمی در مورد این تصمیم، گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه اسرائیل، در پستی در پلتفرم X گفت که «هدف مانور حماس جلوگیری از خلع سلاح آن با زمینه سازی برای یک دولت تکنوکرات است» و تأکید کرد که تل آویو اصرار دارد طرح ترامپ را «به معنای واقعی کلمه با خلع سلاح حماس و نوار غزه» اجرا کند.

مانور حماس

روزنامه ידיעות آهارونوت به نقل از منابع ارشد اسرائیلی نوشت که اعلامیه حماس «فقط یک ترفند» است و افزود که اسرائیل از قبل نشانه‌هایی از این اقدام دریافت کرده بود.

کیف قرأت اسرائیل إعلان حماس تسليم إدارة غزة إلى لجنة التكنولوجيا؟



تاریخ انتشار خبر: ۶ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۵ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: الجزیره

برچسب: رژیم صهیونیستی، غزه



◆ نشست مورد انتظار اسرائیل، امارات و اردن در ابوظبی:

باج گیری از طریق گذرگاه آبی؟

اسرائیل در حال بررسی پیشنهادی برای برگزاری یک اجلاس سه جانبه انرژی در ابوظبی با مشارکت اردن و امارات متحده عربی است تا در مورد طیف وسیعی از مسائل، از جمله یک توافق جدید آب که طبق آن تل آویو علاوه بر ۵۰ میلیون متر مکعب آبی که سالانه طبق معاهده صلح به عمان می دهد، ۵۰ میلیون متر مکعب دیگر به این کشور آب می دهد، بحث کند.

انتظار می رود این سه کشور در مورد توافقی بحث کنند که به موجب آن اسرائیل یک کارخانه آب شیرین کن برای تأمین آب تل آویو و عمان بسازد، در حالی که اردن یک نیروگاه خورشیدی برای تأمین برق هر دو کشور توسعه دهد. با این حال، اسرائیل همچنین ممکن است از این جلسه و نیاز مبرم اردن به آب برای اعمال فشار و دستیابی به دستاوردهای سیاسی سوءاستفاده کند.

تحلیل

در سال ۲۰۲۲ توافقی سه جانبه میان امارات و اردن و رژیم صهیونیستی شکل گرفت که به موجب آن امارات در ساخت نیروگاه خورشیدی واقع در اردن سرمایه گذاری می کرد. اردن نیز با فروش برق تولید شده از نیروگاه به رژیم از آن آب دریافت می نمود. این توافق بدلیل طوفان الاقصی معلق ماند و روابط میان اردن و رژیم نیز تیره تر شدن تا جایی که اسرائیل اعلام نمود که توافق فروش آب رود اردن به عمان را تمدید نخواهد کرد، این موضوع بر بحران آبی اردن افزود و عمان را بر فعال سازی ابر پروژه «انتقال ملی آب» خود مسمم تر نمود. این پروژه که آب خلیج عقبه را شیرین سازی و به مناطق شهری منتقل خواهد کرد، در صورت اجرا می تواند تا ۴۰ درصد از نیاز آب اردن را به طور سالیانه تأمین نماید. این پروژه هزینه بالایی برای اردن خواهد داشت و تخمین زده شده که ۵ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد. اعلام خبر شروع این پروژه توسط اردن شاید به معنای اقدام جدی نباشد بلکه پیامی به طرف اسرائیلی است تا بتواند در نشست هایی همچون نشست آینده امارات از آن استفاده نماید. با این حال رژیم صهیونیستی تا به امروز اعلام نموده که آبی به اردن نخواهد داد. نکته حائز اهمیت، نقش پررنگ امارات در میانجیگری میان رژیم صهیونیستی و بازیگران عادی سازی روابط با آن است که در مواقعی که رژیم نیازمند است به ترمیم و یا شکل دهی روابط و تحسین میان آنان می پردازد و نقطه ثقل این روابط است.

لقاء إسرائيلي إماراتي أردني مرتقب في أبوظبي: ابتزاز من بوابة المياه؟



تاریخ انتشار خبر: ۷ ژوئیه ۲۰۲۶ – ۱۶ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: العربی الجدید، نایف زیدانی

برچسب: رژیم صهیونیستی، اردن، امارات، آب



♦ وزیر انرژی اسرائیل از احتمال دور زدن تنگه هرمز توسط خط لوله نفت خبر داد.

وزیر انرژی اسرائیل گفت، وابستگی کشورهای خلیج فارس به حمل و نقل نفت از طریق تنگه هرمز می تواند با خط لوله ای که خلیج فارس را از طریق اسرائیل به اروپا متصل می کند، به میزان قابل توجهی کاهش یابد و به آنها اجازه دهد اختلالات کشتیرانی دریای سرخ را نیز دور بزنند.

الی کوهن، وزیر انرژی اسرائیل، در مصاحبه ای در اورشلیم به رویترز گفت: «کشورهای خلیج فارس نمی خواهند در مورد صادرات نفت خود که منبع اصلی درآمد آنهاست، به ایران یا حوثی ها (در یمن) وابسته باشند.» اگر یک مسیر زمینی ایجاد کنید، هم ایران و هم حوثی ها را دور می زنید... بهترین مسیر از طریق کشور اسرائیل است.»

کوهن گفت، اسرائیل از قبل زیرساخت های موجود با خط لوله بین شهر ایلات در دریای سرخ و شهر بندری اشکلون در جنوب مدیترانه را دارد، اما در صورت تمایل کشورهای عربی، برای اتصال به این کشور به زیرساخت نیاز خواهد بود.

کوهن گفت که به ایالات متحده پیشنهاد یک خط لوله ۷۰۰ کیلومتری را داده است که می تواند از عربستان سعودی تا ایلات امتداد یابد. از آنجا، نفت می تواند از طریق خط لوله ترانس اسرائیل به اشکلون و از آنجا به تانک های نفتی به اروپا منتقل شود.

تحلیل

رژیم صهیونیستی با توجه به نگرانی کشورهای حاشیه خلیج فارس در خصوص تنگه هرمز سعی دارد با این پیشنهاد نقش رژیم را در انرژی پر رنگ نماید. بدین طریق تلاویو دروازه صادرات انرژی و به اروپا می شود. تغییر ادراک کشورهای خلیج فارس به میزان درگیری در هرمز و فشار آمریکا و ارائه امتیازات لازم از سمت رژیم و آمریکا دارد.

Israel's energy minister touts oil pipeline to bypass Hormuz



تاریخ انتشار خبر: ۷ ژوئیه ۲۰۲۶ – ۱۶ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: رویترز، میرا الحسین

بچسب: رژیم صهیونیستی، عربستان، آیمک، خط لوله نفت، تنگه هرمز



◆ افسانه انزوای اسرائیل: جهان به آن نزدیک تر می شود، نه دورتر

از هفتم اکتبر تاکنون، روایت غالب رسانه ای این بوده که اسرائیل در صحنه بین المللی به شدت در حال انزوا است. تیتراها بر اختلافات دیپلماتیک، تظاهرات ضداسرائیلی، قطعنامه های سازمان ملل و فاصله گرفتن برخی دولت های غربی تمرکز دارند و تصویری از دست رفتن دوستان اسرائیل را ترسیم می کنند. اما واقعیت دیپلماتیک بسیار پیچیده تر و متفاوت است.

در حالی که انتقادهای سیاسی در برخی مجامع افزایش یافته، بسیاری از دولت ها همزمان روابط عملی، دفاعی، تجاری و استراتژیک خود با اسرائیل را گسترش داده اند. همکاری در حوزه های امنیت سایبری، کشاورزی، هوش مصنوعی، فناوری آب و انرژی تقویت شده و اسرائیل به عنوان شریکی ضروری برای بسیاری از کشورها دیده می شود. این روند در اروپا، آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و خاورمیانه ادامه دارد.

تغییرات انتخاباتی در کشورهایی مانند اسلوانی، کلمبیا، بولیوی و اکوادور که مواضع ضداسرائیلی شدید داشتند، و عقب ماندگی دولت های تندرو اروپایی مانند اسپانیا و نروژ در نظرسنجی ها، نشان می دهد سیاست خارجی کشورها ایستا نیست. منافع ملی اغلب بر شعارهای سیاسی غلبه می کنند.

اروپا با امضای قراردادهای دفاعی بزرگ توسط آلمان، اسلواکی، رومانی، یونان و قبرس، عملاً امنیت خود را به فناوری اسرائیل می سپارد. توافق های ابراهیم نیز علی رغم جنگ غزه، با گسترش همکاری های اقتصادی، فناوری و امنیتی امارات، بحرین و مراکش، استمرار یافته و نشان دهنده اولویت منافع ملی بر مسائل ایدئولوژیک است.

در جنوب جهانی، هند، نیجریه و کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین (مانند آرژانتین تحت ریاست میلی) روابط استراتژیک خود را تعمیق بخشیده اند. این کشورها اسرائیل را نه از منظر مناقشه فلسطین، بلکه از دریچه نوآوری، فناوری و امنیت ارزیابی می کنند. حتی به رسمیت شناختن سومالی لند نمونه ای از این رویکرد عملی است.

در نهایت، هرچند انتقادات بین المللی وجود دارد، اما اقدامات واقعی دولت ها (توافق های دفاعی، تجاری و فناوری) روایت انزوا را رد می کند. روابط بین الملل بیشتر بر پایه منافع ملی بلندمدت استوار است تا تیتراهای خبری موقت، و اسرائیل همچنان به عنوان شریک ارزشمند استراتژیک و فناوری برای بسیاری از کشورها باقی مانده است.



تحلیل

این گزارش با وجود تلاش برای نمایش «موفقیت دیپلماتیک» رژیم صهیونیستی، ناخواسته اعتراف می‌کند که محور مقاومت از هفتم اکتبر تاکنون توانسته با ایستادگی و عملیات‌های پی‌درپی، رژیم را در تنگنا قرار دهد و هزینه‌های سنگینی بر آن تحمیل کند. این فشارها باعث شده رژیم برای جبران انزوای واقعی خود در افکار عمومی جهانی و بخش‌هایی از نخبگان، به هر رابطه‌ای در آفریقا، آمریکای لاتین یا اروپا چنگ بزند. محور مقاومت با تکیه بر اراده مردمی و حمایت مردمان منطقه، نشان داده که نمی‌توان با زور و جنایت، اراده ملت‌ها را شکست؛ بلکه مقاومت پایدار، معادلات را به نفع جبهه حق تغییر می‌دهد و رژیم را وادار به دودیدن پشت شرکای جدید و ناپایدار کرده است.

آمریکا و رژیم با تمام ادعاهای «قدرت» و «دیپلماسی موفق»، در عمل به عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه و جهان شناخته می‌شوند. واشنگتن با حمایت بی‌قید و شرط از جنایات غزه، نه تنها اعتبار جهانی خود را نابود کرد بلکه منافع بلندمدت خود را هم فدا کرد. این گزارش به خوبی نشان می‌دهد که رژیم اشغالگر برای بقا مجبور به خریدن روابط با پول و فناوری شده، در حالی که مشروعیت خود را در افکار عمومی دنیا و حتی میان متحدان سنتی از دست داده است. محور مقاومت با مقاومت هوشمندانه، این ضعف ساختاری رژیم و حامی آمریکایی‌اش را آشکار کرده و ثابت کرده که آینده منطقه متعلق به نیروهای مقاوم و مردمی و نه به رژیم آپارتاید و حامیان جنایتکار آن است.

The Myth of Israel's Isolation: The World's Moving Closer, Not Further Away



تاریخ انتشار خبر: ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۹ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: تایمز اسرائیل، مارک جینزبرگ

برچسب: انزوا، اسرائیل و بین‌المللی



چرا مکرون باید هرگونه آینده‌ای برای حزب الله در لبنان را رد کند؟

دیدار امانوئل ماکرون از سوریه بر موضوعات متعددی از انرژی تا ثبات ژئوپلیتیک تمرکز داشت. پیام کلیدی فرانسه به مقامات جدید سوریه، احترام کامل به استقلال لبنان و پایان هرگونه دخالت در امور آن بود. پاریس نمی‌خواهد سوریه در مسئله خلع سلاح حزب الله نقش فعالی ایفا کند و بر تقویت حاکمیت لبنان بدون درگیری‌های جدید تأکید دارد. این رویکرد با موضع آمریکا تفاوت دارد.

دونالد ترامپ در دیدار با احمد الشرع (ریاست سوریه) تأکید کرد که سوریه جدید باید نقش تثبیت‌کننده در منطقه ایفا کند و با همکاری سیاسی و امنیتی (نه مداخله نظامی مستقیم) به کاهش نفوذ حزب الله کمک نماید. هر دو کشور (آمریکا و فرانسه) بر تقویت امنیت مرز سوریه-لبنان، مبارزه با قاچاق سلاح و مواد مخدر، جلوگیری از استفاده از خاک سوریه به عنوان پایگاه عقب حزب الله، و بازگشت تدریجی پناهندگان سوری توافق دارند.

هر دو طرف امیدوارند سوریه بازسازی شده، فرصت‌های اقتصادی برای لبنان ایجاد کند و خطر تشدید نظامی با اسرائیل را کاهش دهد. ترامپ حتی از اسرائیل خواسته در لبنان خویشتن‌داری کند تا دمشق بتواند در تثبیت اوضاع مشارکت کند. این تلاش‌ها برای ایجاد توازن جدید در شام بر پایه دولت‌های حاکمیت‌مند، مرزهای امن و همکاری منطقه‌ای است.

در همین دوره، سوریه شاهد چندین حمله تروریستی بوده: بمب‌گذاری در مرکز دمشق، انفجارهای حین بازدید ماکرون و تلاش‌های ناموفق دیگر. این حملات همزمان با شکل‌گیری تغییرات ژئوپلیتیک رخ داده و سوریه جدید را تهدیدی مستقیم برای اهداف هژمونیک ایران در منطقه می‌دانند، زیرا دسترسی تهران به ساحل مدیترانه را قطع می‌کند.

برای لبنان، سؤال کلیدی این است که سوریه چگونه با تهدیدات امنیتی خود (از جمله فعالیت‌های احتمالی حزب الله) برخورد خواهد کرد. فعلاً بعید است دمشق به دنبال درگیری باشد، اما اگر فعالیت‌های حزب الله امنیت سوریه را تهدید کند، ممکن است موضع تهاجمی‌تری اتخاذ کند. برخی تحلیل‌ها به دستاوردهای احتمالی سوریه (مانند نفوذ بیشتر در لبنان) در صورت کاهش قدرت حزب الله اشاره دارند.



فرانسه با تأکید بر عدم دخالت و اعطای امتیازات ویژه به حزب الله، عملاً از آن در برابر فشارها محافظت می کند. نویسنده معتقد است این سیاست خلاف هدف اعلامی است، زیرا تسلیحات حزب الله بزرگ ترین خطر بی ثباتی لبنان است و حاکمیت کامل بیروت را مختل کرده. بدون کاهش قدرت حزب الله، آینده پایدار برای لبنان وجود نخواهد داشت.

تحلیل

این گزارش به وضوح تلاش های هماهنگ آمریکا و فرانسه برای تضعیف محور مقاومت و به ویژه حزب الله را نشان می دهد. با وجود ظاهر «تثبیت» و «حاکمیت لبنان»، هدف واقعی محدود کردن نقش سوریه در جبهه مقاومت و قطع خطوط پشتیبانی ایران است. اما محور مقاومت با ایستادگی و حضور قدرتمند در لبنان و منطقه، این نقشه ها را خنثی کرده و نشان داده که نمی توان با فشارهای خارجی و توطئه های تروریستی، اراده ملت های منطقه را شکست. سوریه جدید نیز اگر بخواهد پایدار بماند، نمی تواند در برابر فشارهای مقاومت بی تفاوت باشد و هرگونه تسلیم در برابر دیکته های غربی-صهیونیستی، تنها به بی ثباتی بیشتر منجر خواهد شد.

آمریکا با حمایت از این سیاست ها، بار دیگر ماهیت مداخله جویانه و ضدثبات خود را آشکار کردند. واشنگتن با ابزارهایی مانند ترامپ و ماکرون سعی دارد حزب الله را که نماد مقاومت واقعی است، به حاشیه براند تا مسیر عادی سازی با رژیم اشغالگر هموار شود. این رویکرد نه تنها حاکمیت واقعی لبنان را تقویت نمی کند، بلکه آن را به ابزار دست قدرت های خارجی تبدیل می کند. حزب الله با حفظ قدرت بازدارنده خود، بزرگ ترین مانع در برابر پروژه های تجزیه طلبانه و سلطه صهیونیستی-آمریکایی در منطقه است و آینده لبنان و شام متعلق به نیروهای مقاوم مردمی خواهد بود، نه به توطئه های پاریس و واشنگتن.

Why Macron must reject any future for Hezbollah in Lebanon



تاریخ انتشار خبر: ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۹ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: عرب نیوز، خالد ابو ظهر

برچسب: حزب الله، سوریه و مکرون



عون در مورد سلاح‌های حزب‌الله به ترامپ چه خواهد گفت؟

جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان، تأکید کرد که تا زمانی که حزب‌الله وفاداری خود را به ایران حفظ کند، هیچ پیشرفت واقعی در لبنان حاصل نخواهد شد و حل مسائل نیازمند وفاداری به لبنان است. او گفت مسئله حزب‌الله را نمی‌توان صرفاً با زور حل کرد، زیرا حزب‌الله فقط سلاح نیست بلکه دارای پایگاه مردمی عمیق است. عون هشدار داد که اگر حزب‌الله با تلاش‌ها برای پایان جنگ در جنوب همکاری نکند، مسئولیت آن را بر عهده خواهد گرفت و وابستگی‌اش به ایران را ثابت می‌کند.

عون در سفر آتی به واشنگتن، به ترامپ خواهد گفت که رسیدگی به سلاح‌های حزب‌الله باید درون لبنان، با استراتژی جامع اجتماعی-اقتصادی-امنیتی و نه از خارج انجام شود. او این سفر را فرصتی برای توضیح تاریخ لبنان و تأکید بر اجرای توافقات و افزایش انگیزه آمریکا می‌داند و از به کار بردن عبارت «خلع سلاح» پرهیز می‌کند، چون سلاح‌ها در سراسر کشور پراکنده‌اند.

تحلیل

اظهارات جوزف عون بار دیگر نشان‌دهنده فشارهای خارجی بر لبنان برای تضعیف محور مقاومت است. با وجود ادعای حل داخلی، هدف اصلی قطع پیوند حزب‌الله با ایران و محور مقاومت است تا مقاومت خلع سلاح شود. اما حزب‌الله با پایگاه مردمی عمیق و وفاداری به آرمان‌های منطقه‌ای، نماد واقعی استقلال و دفاع از لبنان در برابر تجاوزات صهیونیستی است. این فشارها نمی‌تواند اراده مقاومت را بشکند و تنها مقاومت مردمی است که جلوی سلطه خارجی را گرفته است.

آمریکا با ابزارهایی مانند عون و سفر به واشنگتن، سعی دارد حزب‌الله را تحت فشار قرار دهد تا رژیم اسرائیل از تهدید مقاومت در امان بماند. این رویکرد، ادامه سیاست‌های مداخله‌جویانه واشنگتن و تل‌آویو برای نابودی جبهه مقاومت و تحمیل عادی‌سازی است. در مقابل، محور مقاومت با حفظ قدرت و انسجام خود، بزرگ‌ترین مانع در برابر پروژه‌های آمریکایی-صهیونیستی در لبنان و منطقه باقی مانده و آینده متعلق به نیروهای مقاوم است، نه به وابستگان به غرب.

What will Aoun tell Trump about Hezbollah's weapons?



تاریخ انتشار خبر: ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۹ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: نهارنت

برچسب: لبنان، جوزف عون و حزب‌الله



♦ تحلیلگران می‌گویند ایده ترامپ برای مقابله سوریه با حزب‌الله، خطر دوباره باز شدن زخم‌ها را به همراه دارد.

دونالد ترامپ در دیدار با احمد الشرع (رئیس‌جمهور موقت سوریه) در حاشیه نشست ناتو در آنکارا، پیشنهاد پیشین خود مبنی بر کمک سوریه به مقابله با حزب‌الله به جای اسرائیل را تعدیل کرد اما همچنان گفت: «آنها می‌توانند کمک کنند، خواهیم دید.» این اظهارات نگرانی‌هایی را درباره تکرار تاریخ دخالت سوریه در لبنان ایجاد کرده است.

الشرع دخالت نظامی را رد کرده و تأکید دارد سوریه از طریق کانال‌های سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی به ثبات منطقه کمک می‌کند. تحلیلگرانی مانند دیوید هیل و چارلز لیستر خاطرنشان کردند که روابط سوریه و لبنان «بار سنگین» تاریخی دارد و رژیم اسد سابق لبنان را بخشی از قلمرو خود می‌دید، اما رهبری فعلی سوریه آن را بیشتر «حواس‌پرتی» می‌داند تا اولویت.

ترامپ این ایده را شبیه دکترین نیکسون (واگذاری مسئولیت به قدرت‌های منطقه‌ای) می‌بیند و معتقد است ارتش لبنان هنوز قادر به مقابله با حزب‌الله نیست. با این حال، تحلیلگران هشدار می‌دهند هرگونه نقش نظامی سوریه در لبنان خطرناک است، زیرا خروج نیروهای خارجی از لبنان بسیار دشوار بوده و می‌تواند حاکمیت لبنان را که اخیراً پیشرفت‌هایی داشته، به خطر بیندازد.

روابط دمشق و بیروت پس از سقوط اسد بهبود یافته و کمیته مشترکی برای همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی تشکیل شده است. ترامپ همچنین سوریه را از فهرست حامیان تروریسم آمریکا خارج کرده، اما پیشنهاد او سوریه را در موقعیت دشواری قرار داده است.

لیستر تأکید کرد که دخالت نظامی سوریه در لبنان برای دمشق «غیرممکن مطلق» است، زیرا نه اراده سیاسی دارد و نه منابع مالی و نظامی کافی. الشرع تلاش می‌کند اظهارات ترامپ را به کمک سیاسی تفسیر کند تا از ترامپ دور نشود.



در مجموع، این بحث‌ها در حالی مطرح می‌شود که خشونت در جنوب لبنان ادامه دارد و اسرائیل عملیات خود را گسترش داده است. تحلیلگران معتقدند هرگونه بازگشت نفوذ سوریه، خلاف سیاست اخیر آمریکا برای تقویت حاکمیت لبنان خواهد بود.

تحلیل

اظهارات ترامپ درباره استفاده از سوریه علیه حزب الله، بخشی از استراتژی آشکار آمریکا و اسرائیل برای نابودی محور مقاومت از درون است. با وجود انکار دخالت نظامی، هدف نهایی تضعیف حزب الله به عنوان ستون فقرات مقاومت در لبنان و قطع خطوط پشتیبانی منطقه‌ای است. اما محور مقاومت با ریشه‌های مردمی عمیق و تجربه تاریخی، این توطئه‌ها را خنثی خواهد کرد و هرگونه مداخله خارجی تنها به اتحاد بیشتر جبهه مقاومت منجر می‌شود.

آمریکا و رژیم صهیونیستی با این ایده‌ها، ماهیت تجاوزکارانه و ضداستقلال خود را نشان می‌دهند. واشنگتن که ادعای تقویت حاکمیت لبنان دارد، در عمل به دنبال ابزارهایی برای تحمیل خواسته‌های اسرائیل است. حزب الله نه تنها یک گروه، بلکه نماد دفاع از لبنان در برابر اشغالگری صهیونیستی است. مقاومت مردمی در برابر این فشارها، تضمین‌کننده آینده‌ای مستقل برای لبنان و منطقه خواهد بود و پروژه‌های سلطه‌طلبانه آمریکا و اسرائیل را ناکام خواهد گذاشت.

Trump's idea for Syria to confront Hezbollah risks reopening wounds, analysts say



تاریخ انتشار خبر: ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۹ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: عرب نیوز، عنان تلو

برچسب: سوریه، ترامپ و لبنان



مکرون پیش از اجلاس ناتو در ترکیه، برای گفتگو وارد سوریه شد. ♦

امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، در اولین سفر یک رهبر اروپایی غربی پس از برکناری بشار اسد در سال ۲۰۲۴، وارد سوریه شد. وی در فرودگاه دمشق توسط وزیر خارجه سوریه مورد استقبال قرار گرفت و قرار است روز سه شنبه همراه الشرع برای شرکت در اجلاس ناتو به آنکارا بروند. ماکرون در این سفر با هیئت تجاری همراه است و هدف آن گفتگو درباره امنیت منطقه‌ای، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و آغاز «فصل جدیدی از ثبات و صلح» اعلام شده است.

ماکرون در پستی در X بر تعهد فرانسه به مردم سوریه برای یک کشور مستقل، متحد در عین تنوع و در صلح با همسایگان تأکید کرد. این سفر پس از دیدار قبلی الشرع با ماکرون در پاریس (مه ۲۰۲۵) انجام می‌شود که در آن فرانسه خواستار پایان تحریم‌ها علیه سوریه شد و از رهبری جدید این کشور حمایت کرد، هرچند نگرانی‌هایی درباره حقوق زنان، اقلیت‌ها و ماهیت حکومت جدید وجود دارد. سوریه از درگیری‌های اخیر منطقه دور مانده اما هنوز از ویرانی‌های ۱۳ سال جنگ رنج می‌برد و بازسازی آن نیاز به صدها میلیارد دلار دارد. غرب به ویژه نگران گذار سوریه به سمت حکومتی دموکراتیک‌تر است.

تحلیل

سفر ماکرون به سوریه بخشی از تلاش‌های هماهنگ غرب برای مهار محور مقاومت و بازتعریف نقش سوریه در منطقه به نفع خود است. با وجود شعارهای «ثبات و صلح»، هدف واقعی محدود کردن نفوذ ایران و مقاومت در شام و استفاده از سوریه جدید به عنوان اهرم علیه حزب‌الله و جبهه مقاومت است. اما محور مقاومت با تکیه بر عمق مردمی و استراتژی مقاومتی، این نقشه‌ها را ناکام خواهد گذاشت و سوریه را به سمت همکاری واقعی با نیروهای منطقه‌ای سوق خواهد داد.

فرانسه و آمریکا با حمایت از حکومت جدید سوریه و لغو تحریم‌ها، در پی ایجاد توازن هستند که حاکمیت مقاومت را تضعیف کند. این رویکرد ادامه سیاست‌های استعماری و حامی رژیم صهیونیستی است که لبنان و سوریه را میدان رقابت خود می‌دانند. مقاومت مردمی و محور مقاومت، بزرگ‌ترین مانع در برابر این دخالت‌ها باقی مانده و آینده منطقه را به نفع ملت‌ها و نه قدرت‌های غربی-صهیونیستی رقم خواهد زد.

Macron arrives in Syria for talks ahead of NATO summit in Türkiye



تاریخ انتشار خبر: ۶ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۵ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: الجزیره

برچسب: مکرون، سوریه و ناتو



♦ ماکرون به دمشق سفر می کند و پیشنهاد کمک به بازسازی اقتصاد سوریه را می دهد.

امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، علی رغم وقوع دو انفجار نزدیک هتل محل اقامتش در دمشق، سفر خود به سوریه را ادامه داد و شب را در پایتخت سپری کرد. این اولین سفر یک رهبر غربی پس از سرنگونی رژیم بشار اسد در اواخر ۲۰۲۴ است. ماکرون در دیدار با احمد الشرع، حمایت فرانسه از بازسازی اقتصادی سوریه را اعلام کرد و گفت پاریس آماده بازگشت بیش از ۵۰ میلیون دلار دارایی مصادره شده از خانواده اسد است.

ماکرون در دیدارها تأکید کرد که فرانسه می خواهد شریک سوریه باشد و به بازسازی بخش بانکی این کشور کمک کند. دو طرف مجموعه ای از توافق های همکاری امضا کرده اند. این سفر در شرایطی انجام شد که سوریه در حال بازگشت به جامعه بین المللی است، هرچند هنوز با چالش های امنیتی جدی از جمله حملات متعدد به دولت و ارتش مواجه است.

انفجارهای صبح سه شنبه در نزدیکی هتل ماکرون، بر دشواری های امنیتی سوریه در دوره بازسازی تأکید کرد. با وجود پایان جنگ داخلی، حملات هدفمند علیه اهداف دولتی ادامه دارد. ماکرون با ادامه برنامه های خود (از جمله گشت در شهر قدیمی دمشق) خود به رهبری جدید سوریه را نشان داد.

فرانسه پیش تر نیز از الشرع حمایت کرده و خواستار لغو تحریم ها شده بود. این سفر بخشی از تلاش های غرب برای ادغام سوریه جدید در منطقه و اقتصاد جهانی است، هرچند نگرانی هایی درباره ماهیت حکومت جدید و مسائل حقوق بشری وجود دارد.



تحلیل

انفجارها حین سفر ماکرون به دمشق، نشانه‌ای آشکار از تنش‌های عمیق و مقاومت نیروهای وفادار به محور مقاومت در برابر پروژه‌های غربی برای مصادره سوریه است. تلاش فرانسه و آمریکا برای تبدیل سوریه به ابزاری علیه ایران و حزب الله، با وجود ظاهر «بازسازی اقتصادی»، در عمل به دنبال تضعیف جبهه مقاومت در منطقه شام است. محور مقاومت با عملیات‌های هدفمند و حضور ریشه دار، نشان داده که نمی‌توان به راحتی نقشه‌های سلطه طلبانه را پیش برد.

آمریکا و رژیم اسرائیل به همراه متحدان اروپایی‌شان با این سفرها و فشارها، به دنبال تکمیل پروژه عادی سازی و حذف مقاومت از معادلات منطقه هستند. انفجارها در قلب دمشق، ضعف امنیتی پروژه مورد حمایت غرب را آشکار می‌کند. حزب الله و محور مقاومت با ایستادگی خود، بزرگ‌ترین مانع در برابر این دخالت‌های خارجی باقی مانده‌اند و سوریه و لبنان را از تبدیل شدن به حیاط خلوت غرب و صهیونیست‌ها حفظ خواهند کرد.

Macron Visits Damascus and Offers to Help Syria Rebuild Its Economy



نویسنده: نیویورک تایمز، رجا عبدالرحیم و رهام مرشد

تاریخ انتشار خبر: ۷ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۶ تیر ۱۴۰۵
برچسب: سوریه، فرانسه و بازسازی



♦ نتانیا هو هشدار داد که آمریکا می تواند توازن قدرت در خاورمیانه را «نابود» کند، در حالی که ترامپ فروش جت های اف ۳۵ به ترکیه را در دستور کار قرار داده است.

دونالد ترامپ در سفر به ترکیه، تمایل خود برای فروش جنگنده های اف-۳۵ به این کشور را اعلام کرد و قول داد تحریم های آمریکا علیه ترکیه را به دلیل خرید سامانه اس-۴۰۰ روسیه لغو کند. این اولین سفر رئیس جمهور آمریکا به ترکیه پس از ۱۱ سال است و با استقبال باشکوه اردوغان همراه بود. ترامپ ترکیه را «وفادار» خواند و گفت رابطه دو کشور احتمالاً بهتر از همیشه است.

نتانیا هو در واکنش شدید به این اقدام هشدار داد که فروش اف-۳۵ به ترکیه، «توازن قدرت در خاورمیانه را نابود می کند» زیرا ترکیه به گفته او «آرمان های تهاجمی» دارد و این کار منجر به تجاوزگری بیشتر خواهد شد. فروش اف-۳۵ طبق قانون آمریکا مسدود است و با مقاومت شدید کنگره (از هر دو حزب) مواجه خواهد شد.

روابط ترکیه و آمریکا از سال ۲۰۱۹ به دلیل خرید اس-۴۰۰ و حذف ترکیه از برنامه اف-۳۵ متشنج شده بود. اردوغان امیدوار است با حمایت ترامپ، حداقل پنج جنگنده که هزینه آن پرداخت شده تحویل بگیرد. ترامپ نگرانی خود از نگهداری اس-۴۰۰ توسط ترکیه را رد کرد.

این تحولات پیش از اجلاس ناتو در آنکارا رخ داده است. ترکیه به عنوان دومین ارتش بزرگ ناتو و تولیدکننده پهپاد، از سوی برخی متحدان به عنوان سد در برابر روسیه دیده می شود. با این حال، نگرانی ها درباره حقوق بشر، سرکوب مخالفان (مانند امام اوغلو) و روابط ترکیه با ایران در واشنگتن تحت ریاست ترامپ کم رنگ شده است.

کنگره آمریکا با اشاره به قانون ممنوعیت فروش اف-۳۵ و روابط آنکارا با ایران و لفاظی های ضداسرائیلی، مخالفت خود را اعلام کرده است. ترامپ تأکید کرد که وزیران خارجه و خزانه داری اش روی لغو تحریم ها کار می کنند.



تحلیل

این اختلافات آشکار بین نتانیا هو و ترامپ، شکاف های عمیق در جبهه صهیونیستی-آمریکایی را نشان می دهد. محور مقاومت با عملیات های موفق و ایستادگی خود، رژیم صهیونیستی را به حدی تضعیف کرده که حتی فروش سلاح به ترکیه (متحد ناتو) را تهدیدی وجودی برای «توازن قدرت» تل آویو می بیند. این وضعیت نشان دهنده موفقیت استراتژی مقاومت در تغییر معادلات منطقه به نفع جبهه حق است. آمریکا و رژیم با این سیاست های تناقض آمیز، تنها به فکر حفظ سلطه و فروش سلاح هستند و منافع ملت های منطقه را قربانی می کنند. ترامپ با اولویت دادن به روابط با ترکیه، ماهیت معامله گرایانه سیاست خارجی واشنگتن را آشکار کرد. در مقابل، محور مقاومت با انسجام و قدرت بازدارنده خود، بزرگ ترین مانع در برابر این بازی های خطرناک باقی مانده و از حاکمیت و امنیت واقعی کشورهای منطقه دفاع می کند.

Netanyahu warns US could 'destroy' Mideast power balance as Trump floats F35- jet sale to Turkey



تاریخ انتشار خبر: ۸ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۷ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: فرانس ۲۴

برچسب: آنکارا، ایران و اسرائیل



♦ ترامپ می گوید تحریم های ترکیه را لغو می کند و فروش اف ۳۵ را «بررسی» می کند.

دونالد ترامپ در دیدار با رجب طیب اردوغان در حاشیه اجلاس ناتو در آنکارا، اعلام کرد تحریم های آمریکا علیه ترکیه را لغو خواهد کرد و به زودی درباره از سرگیری فروش جنگنده های اف-۳۵ تصمیم می گیرد. این چرخش پس از حذف ترکیه از برنامه اف-۳۵ به دلیل خرید اس-۴۰۰ روسیه در سال ۲۰۱۹ رخ داده است. ترامپ جنگنده اف-۳۵ را «بهترین هواپیما» خواند و گفت این موضوع را بررسی خواهد کرد. اردوغان امیدوار است تصمیم مثبتی گرفته شود و به قول قبلی تحویل پنج فروند اف-۳۵ اشاره کرد. هرگونه بازگشت به برنامه نیازمند غلبه بر قانون ۲۰۲۰ کنگره است که ترکیه را تا زمانی که سامانه روسی را داشته باشد، ممنوع می کند.

نتانیاهاو با هشدار شدید، این اقدام را «برهم زننده توازن قدرت در خاورمیانه» دانست و گفت برتری هوایی اسرائیل و جایگاه آمریکا را تهدید می کند. روابط ترکیه و اسرائیل به شدت کاهش یافته و آنکارا از منتقدان عملیات اسرائیل در غزه بوده است. برخی سناتورهای مانند لیندسی گراهام احتمال یافتن راه حل در کنگره را مطرح کرده اند.

تحلیل

این تنش میان نتانیاهاو و ترامپ، ضعف و هراس رژیم صهیونیستی را پس از ضربات سنگین محور مقاومت آشکار می کند. فروش احتمالی اف-۳۵ به ترکیه، رژیم را که به برتری هوایی خود متکی است، وحشت زده کرده است. محور مقاومت با عملیات های موفق خود، معادلات را به گونه ای تغییر داده که حتی متحدان آمریکا نیز به تهدیدی برای تل آویو تبدیل شده اند و این دقیقاً نتیجه ایستادگی جبهه مقاومت است. آمریکا و رژیم اسرائیل با این سیاست های معامله گرانه و تناقض آمیز، امنیت منطقه را فدای منافع خود می کنند. واشنگتن با اولویت دادن به ترکیه، ماهیت فرصت طلبانه خود را نشان می دهد و رژیم اشغالگر را در موقعیت دشواری قرار داده است. حزب الله و محور مقاومت با حفظ قدرت بازدارنده، بزرگ ترین حامی واقعی حاکمیت و ثبات منطقه در برابر این بازی های خطرناک باقی مانده اند.

Trump says will lift sanctions on Turkiye, 'consider' selling F35-s



تاریخ انتشار خبر: ۷ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۶ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: الجزیره

برچسب: توازن قدرت، ترکیه و اسرائیل



♦ اختصاصی: اتحادیه اروپا ممنوعیت تجارت با شهرک‌های اسرائیلی را مطرح کرد.

اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، سندی محرمانه به دولت‌های اتحادیه اروپا ارسال کرده که سه گزینه قانونی برای تشدید محدودیت‌ها یا ممنوعیت تجارت با شهرک‌های اسرائیلی (غیرقانونی طبق حقوق بین‌الملل) را بررسی می‌کند: سیستم مجوز واردات، تعرفه‌های تنبیهی سنگین، و ممنوعیت کامل واردات، ترانزیت و توزیع کالاهای شهرک‌نشین.

سند تأکید دارد که هرچند گزینه‌های فنی وجود دارد، اما این اقدام اساساً سیاسی است و حجم تجارت با شهرک‌ها اندک است. کمیسیون پیشنهاد می‌کند این موضوع به عنوان «تحریم سیاست خارجی» پیگیری شود که نیازمند اجماع کامل ۲۷ عضو است. این سند توسط کابینه فون در لاین تهیه شده و تصمیم‌گیری نهایی با کاجا کالاس (مسئول سیاست خارجی) است.

چندین کشور اروپایی (مانند ایرلند و هلند) قوانین ملی برای ممنوعیت تجارت با شهرک‌ها تدوین کرده‌اند. سند به موانع عملی مانند برچسب‌گذاری مجدد کالاها توسط صادرکنندگان اسرائیلی و دشواری شناسایی مبدأ اشاره می‌کند. این ابتکار نتیجه فشار فزاینده بر سر رفتار اسرائیل در غزه، گسترش شهرک‌سازی و خشونت شهرک‌نشینان است.

گزینه کم‌خطر: رژیم مجوز واردات. گزینه دوم: تعرفه‌های اختصاصی بالا که عملاً واردات را غیراقتصادی می‌کند. گزینه سوم (گسترده): ممنوعیت کامل که می‌تواند بخش‌هایی مانند کشاورزی را هدف قرار دهد. کمیسیون قبلاً پیشنهاد تعلیق ترجیحات تجاری را داده بود اما نتوانست اجماع کسب کند. هر اقدام جدی نیازمند حمایت یکپارچه دولت‌های عضو خواهد بود.



تحلیل

این سند اتحادیه اروپا، هرچند محدود و محتاطانه، نتیجه فشارهای موفق محور مقاومت و افکار عمومی جهانی علیه جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و کرانه باختری است. گسترش شهرک‌سازی و خشونت شهرک‌نشینان، تصویری آشکار از ماهیت اشغالگرانه رژیم ارائه داده که حتی اروپا را وادار به بررسی تحریم‌های جزئی کرده است. محور مقاومت با ایستادگی خود، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی بر رژیم و حامیانش تحمیل کرده و روند انزوای تدریجی آن را بهبود بخشیده است.

آمریکا و رژیم با وجود این فشارها، همچنان سیاست‌های تجاوزکارانه خود را ادامه می‌دهند و اتحادیه اروپا را به دلیل حجم کم تجارت، از اقدامات جدی باز می‌دارند. این گزارش نشان می‌دهد که غرب در برابر جنایات آشکار رژیم، بیشتر به دنبال مدیریت تصویر خود است تا عدالت واقعی. مقاومت مردمی و محور مقاومت، تنها نیروی مؤثر در برابر این اشغالگری و آپارتاید باقی مانده و در نهایت حاکمیت و حقوق ملت فلسطین و منطقه را تحقق خواهد بخشید.

EXCLUSIVE: EU pitches trade ban with Israeli settlements



نویسنده: یوروآکتیو، نیکولتا یونتا و ادی واکس تاریخ انتشار خبر: ۹ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۸ تیر ۱۴۰۵

برچسب: اتحادیه اروپا، ممنوعیت تجارت و شهرک‌های اسرائیلی



♦ چرا بریتانیا باید نتانیاها را تحریم کند؟

گروهی از نمایندگان پارلمان بریتانیا در نامه‌ای علنی به وزیر خارجه، خواستار اعمال تحریم علیه بنیامین نتانیاها شده‌اند. تمرکز اصلی نامه بر شکنجه سیستماتیک فلسطینی‌ها در زندان‌های اسرائیل است و به گزارش سازمان ملل استناد می‌کند که شکنجه را بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست سلطه و مجازات اسرائیل علیه فلسطینیان (شامل کودکان) می‌داند.

نتانیاها متهم به نسل‌کشی در غزه، جنگ غیرقانونی علیه ایران، کشتار بیش از ۴۰۰۰ نفر در لبنان، آوارگی صدها هزار نفر و حمایت از پاکسازی قومی در کرانه باختری است. نامه در رسانه‌های دولتی بریتانیا نادیده گرفته شده، اما نویسندگان انتظار تغییرات اساسی در سیاست بریتانیا با نخست‌وزیری احتمالی اندی برنهام را دارند.

برنهام با «دست‌های پاک» وارد قدرت می‌شود و مسئولیت تصمیمات استارمر (فروش سلاح، حمایت دیپلماتیک و جاسوسی هوایی از اسرائیل) را ندارد. استارمر در صورت حکم احتمالی دیوان کیفری بین‌المللی علیه اسرائیل، ممکن است متهم به کمک به نسل‌کشی شود که طبق قوانین داخلی بریتانیا نیز جرم است.

برنهام برای بازگرداندن رأی‌دهندگان سنتی کارگر (که به دلیل سیاست‌های استارمر به سمت سبزها رفته‌اند) انگیزه سیاسی قوی دارد. تغییر سیاست در قبال اسرائیل هزینه بودجه‌ای ندارد و تنها با محکومیت سیاسی اسرائیل و آمریکا همراه خواهد بود.

تاکنون تنها وزیران زیر دست نتانیاها (بن‌گور و اسموتریچ) تحریم شده‌اند، اما خود او نه. این در حالی است که حکم بازداشت دیوان کیفری بین‌المللی برای نتانیاها از نوامبر ۲۰۲۴ صادر شده و بریتانیا عضو اساسنامه رم است. مقایسه با تحریم سریع پوتین، استاندارد دوگانه بریتانیا را نشان می‌دهد.



تحلیل

نامه نمایندگان بریتانیا و فشار برای تحریم نتانیا هو، دستاورد مهم محور مقاومت و جنایات آشکار رژیم صهیونیستی است که حتی در غرب نیز انزوا و اعتراض ایجاد کرده. نسل کشی در غزه، جنایات در لبنان و کرانه باختری، رژیم را به نماد جنایت جنگی تبدیل کرده و فشار بر دولت های غربی را افزایش داده است. مقاومت فلسطین و محور مقاومت با فداکاری خود، این هزینه های سیاسی را بر رژیم و حامیانش تحمیل کرده اند. بریتانیا و آمریکا با استاندارد دوگانه و حمایت از نتانیا هو، ماهیت واقعی خود را به عنوان حامی جنایتکاران جنگی نشان می دهند. استارمر و امثال او با فروش سلاح و حمایت دیپلماتیک، شریک جرم نسل کشی هستند. محور مقاومت با ایستادگی قهرمانانه، نه تنها از ملت فلسطین دفاع کرده بلکه رژیم اشغالگر و حامیان غربی اش را در تنگنای حقوقی و سیاسی قرار داده و آینده ای روشن تر برای منطقه رقم خواهد زد.

چرا بریتانیا باید نتانیا هو را تحریم کند؟

Why Britain must sanction Netanyahu



تاریخ انتشار خبر: ۹ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۸ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: میدل ایست آی، پیترا و بورن

برچسب: نتانیا هو، بریتانیا و تحریم



♦ شرکت سیستم‌های دفاعی پیشرفته رافائل در حال مذاکره با وزارت دفاع هند است.

شرکت دولتی اسرائیلی رافائل سیستم‌های دفاعی پیشرفته در حال مذاکره با شرکت‌های دفاعی هندی برای تولید مشترک موشک‌های رهگیر تامیر برای سامانه دفاع هوایی گنبد آهنین در هند است.

تحلیل

مراودات نظامی اسرائیل با کشورهای جهان موضوعی قدیمی و روالی جدید نیست، اما انتقال تکنولوژی گنبد آهنین به کشوری مانند هند اتفاقی نادر بوده است، گنبد آهنین تکنولوژی دفاعی خاص و برگ برنده حوزه دفاعی اسرائیل بوده است. انتقال تکنولوژی گنبد آهنین به هند در این مقطع زمانی و منازعات منطقه غرب آسیا و همچنین منازعات میان هند و پاکستان و جنگ اخیر اسرائیل و ایران دارای پیامی مهم بوده است. پیامی که نشان از ورودی مالی زیاد به اسرائیل و تجیز دفاعی هند در جریانات منطقه غرب آسیا.

Rafael Advanced Defence Systems is in talks with Indian defence



تاریخ انتشار خبر: ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۲۰ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: Clash report - ایکس

برچسب: اسرائیل، هندوستان، دفاعی و توافق



♦ وزیر امور خارجه ترکیه، هاکان فیدان، درباره سوریه

وزیر امور خارجه ترکیه، هاکان فیدان، درباره سوریه: یک خطر برای سوریه وجود دارد: سیاست‌های اسرائیل. ما مطمئن نیستیم که آیا اسرائیل می‌خواهد سوریه‌ای با ثبات، خوب، قدرتمند، در حال پیشرفت و توسعه یافته ببیند. اسرائیل در تلاش است تا سوریه را بی‌ثبات کند. این چیزی است که ما نمی‌خواهیم ببینیم. این چیزی است که ما می‌خواهیم همراه با دولت‌های منطقه‌ای به اسرائیلی‌ها منتقل کنیم. ببینید، استراتژی‌ای را متوقف کنید که امنیت شما را از ناامنی و تفرقه دیگران می‌بیند. بیاوید این را تغییر دهیم. می‌دانید، وقتی کشورهای دیگر در منطقه با ثبات و امن شوند، این ممکن است برای شما هم خوب کار کند.

تحلیل

اظهارات فیدان نشان‌دهنده تقابل دو رویکرد متفاوت در قبال سوریه است؛ از یک سو ترکیه به دنبال ثبات‌سازی و احیای حاکمیت دولت مرکزی برای تأمین امنیت مرزهای خود و توسعه همکاری‌های اقتصادی است، و از سوی دیگر اسرائیل با اتخاذ راهبرد "ایجاد کمربندهای امنیتی، بر اساس آموزه امنیت مطلق به دنبال تضعیف هرگونه قدرت متمرکز در سوریه است تا از شکل‌گیری تهدیدی در مرزهای خود جلوگیری کند. این اقدامات، شامل گسترش مناطق اشغالی و ایجاد زیرساخت‌های نظامی دائمی در جنوب سوریه، در عمل با ثبات‌سازی مورد نظر ترکیه در تناقض است.

Turkish Foreign Minister Hakan Fidan on Syria



تاریخ انتشار خبر: ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۲۰ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: Clash Report - ایکس

برچسب: اسرائیل، ترکیه، سوریه و توافق



♦ حدود ۱۰ زیرساخت سازمان حزب الله در جنوب لبنان هدف حمله قرار گرفت.

در واکنش به آسیب وارد شده به نیروهای ارتش اسرائیل و در پی نقض توافق آتش بس: حدود ۱۰ زیرساخت حزب الله در جنوب لبنان هدف حمله قرار گرفت.

در حمله ای دیگر برای رفع تهدید: نیروهای لشکر ۹۱ یک کامیون مورد استفاده حزب الله برای انتقال تسلیحات را هدف قرار دادند در حملات دقیق نیروی هوایی با هدایت لشکر ۹۱، روز گذشته (پنجشنبه) حدود ۱۰ زیرساخت متعلق به سازمان تروریستی حزب الله در مناطق بنت جبیل، بیت یاحون، کونین و براشیت در جنوب لبنان هدف حمله قرار گرفت. زیرساخت های هدف قرار گرفته توسط این سازمان برای پیشبرد طرح های تروریستی علیه نیروهای ارتش اسرائیل که در منطقه امنیتی فعالیت می کنند، مورد استفاده قرار می گرفتند. این حملات در واکنش به آسیب وارد شده به نیروهای ما در منطقه امنیتی توسط حزب الله و در پی نقض مجدد توافق آتش بس انجام شد. همچنین بامداد امروز (جمعه)، نیروهای لشکر ۹۱ یک گروه از نیروهای وابسته به حزب الله را که در نزدیکی منطقه امنیتی در جنوب لبنان، در حال انتقال تسلیحات با استفاده از یک کامیون بودند، شناسایی کردند. بلافاصله پس از شناسایی، نیروی هوایی برای رفع تهدید علیه نیروهای ما، این کامیون را هدف حمله قرار داد. در پی این حمله، انفجارهای ثانویه شناسایی شد که نشان دهنده وجود تسلیحات در داخل کامیون بود. ارتش اسرائیل به فعالیت برای رفع هرگونه تهدید علیه نیروهای خود و شهروندان اسرائیل ادامه خواهد داد.

تحلیل

حملات گسترده به ۱۰ زیرساخت همزمان در چهار منطقه (بنت جبیل، بیت یاحون، کونین و براشیت) نشان دهنده گذر از استراتژی واکنش محدود به پیش دستی تهاجمی در جنوب لبنان است. این حجم حملات در یک بازه زمانی کوتاه، فراتر از پاسخ های متقابل معمول است و بیانگر عزم اسرائیل برای تغییر قواعد درگیری و ایجاد بازدارندگی تهاجمی علیه حزب الله، حتی در شرایط آتش بس رسمی است.

About 10 Hezbollah infrastructures were targeted in southern Lebanon



تاریخ انتشار خبر: ۳ ژوئیه ۲۰۲۶ - ۱۲ تیر ۱۴۰۵

نویسنده: ارتش دفاعی اسرائیل - ایکس

برچسب: اسرائیل، لبنان، حزب الله

دیده بان: تحلیل وقایع پیرامون محور مقاومت و منطقه

مجموعه گزارش‌های ارائه شده حاکی از یک تغییر پارادایم عمیق پس از عملیات طوفان الاقصی است. محور مقاومت با تاب‌آوری استراتژیک و انعطاف سیاسی، نظم امنیتی مورد نظر آمریکا و رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده و توازن قدرت را به سمت چندقطبی شدن منطقه سوق داده است. نظرات درباره ادعای انزوای رژیم نشان می‌دهد که رژیم اشغالگر با وجود گسترش روابط دفاعی با اروپا و کشورهای عضو پیمان ابراهیم، نتوانسته هزینه‌های سنگین نظامی، اخلاقی و حقوقی خود را جبران کند. انزوای سیاسی در افکار عمومی جهانی و فشارهای نهادهای بین‌المللی مانند دیوان کیفری، ضعف‌های ساختاری رژیم را آشکار ساخته، در حالی که مقاومت با حفظ انسجام فرماندهی از غزه تا لبنان و یمن، ابتکار عمل را در دست گرفته است و به سایر نقاط جهان اشاعه داده است.

در حوزه لبنان و سوریه، تلاش‌های هماهنگ آمریکا و فرانسه برای تضعیف حزب‌الله و استفاده از سوریه جدید به عنوان اهرم، با مقاومت مردمی مواجه شده است. اظهارات جوزف عون و فشار برای جداسازی حزب‌الله از معادلات، بخشی از جنگ روانی غرب است، اما پایگاه اجتماعی عمیق مقاومت و نقش بازدارنده آن در برابر تجاوزات صهیونیستی، این پروژه را ناکام گذاشته. تنش میان ترامپ و نتانیاهو بر سر فروش اف-۳۵ به ترکیه نیز شکاف در جبهه غربی را برجسته می‌کند. رژیم صهیونیستی که برتری هوایی خود را تهدید شده می‌بیند، در موقعیت دفاعی قرار گرفته و این دقیقاً نتیجه ضربات دقیق و هوشمند محور مقاومت است. گزارش اتحادیه اروپا درباره محدودیت تجارت با شهرک‌ها و نامه نمایندگان بریتانیا برای تحریم نتانیاهو، نشانه‌های انزوای فزاینده رژیم است. جنایات غزه، شکنجه زندانیان و پاکسازی قومی، حتی در غرب صدای اعتراض ایجاد کرده و استاندارد دوگانه واشنگتن و لندن را در حمایت از جنایتکاران جنگی آشکار ساخته است.



از دید راهبردی، سیاست ترامپ در قبال ایران و منطقه ترکیبی از فشار حداکثری و معامله‌گرایی بوده که در نهایت به تضعیف بازدارندگی آمریکا انجامیده است. توافق‌های اخیر با وجود محدودیت‌ها، به ایران فضای بازسازی و حفظ نفوذ منطقه‌ای داده و کشورهای عربی را به سمت چارچوب‌های امنیتی بومی با مشارکت ایران سوق داده است. انحلال کمیته اداری حماس در غزه نیز نمونه‌ای از هوشمندی مقاومت است؛ واگذاری امور غیرنظامی برای رفع بهانه‌های رژیم، در حالی که نقش سیاسی و نظامی حفظ می‌شود. این اقدام حماس را به عنوان نیروی مشروع مردمی تقویت کرده و نقشه‌های رژیم برای تحمیل اداره وابسته را خنثی نموده است.

افق راهبردی آینده به سمت تضعیف هژمونی آمریکا-رژیم و شکل‌گیری نظم منطقه‌ای بومی حرکت می‌کند. کشورهای عربی با درک محدودیت‌های حمایت واشنگتن، به دنبال کاهش وابستگی و همکاری با محور مقاومت هستند. رژیم صهیونیستی در بدترین موقعیت تاریخی خود قرار دارد و ادامه اشغال و جنایت تنها انزوای بیشتر و فروپاشی داخلی را به دنبال خواهد داشت. محور مقاومت با ترکیب قدرت سخت و نرم، الگوی موفق «مقاومت هوشمند» را معرفی کرده که در نظریه امنیت منطقه‌ای، بازیگران غیردولتی را به بازیگران تعیین‌کننده تبدیل می‌کند. آمریکا با هزینه‌های فزاینده و خروج تدریجی، مجبور به پذیرش واقعیت جدید خواهد شد.

در بلندمدت، تشکیل دولت مستقل فلسطین، کاهش حضور نظامی خارجی و معماری امنیتی فراگیر بر پایه حاکمیت و عدالت، تنها مسیر پایدار است. مقاومت مردمی با فداکاری هزاران شهید، این مسیر را گشوده و نشان داده که دوران سلطه یک‌جانبه به پایان رسیده است. آینده منطقه متعلق به نیروهای مقاوم و ملت‌های آزاده خواهد بود، نه به سیاست‌های تجاوزکارانه و آپارتاید صهیونیستی. این تحولات آغاز عصر افول هژمونی غربی و ظهور بلوک مقاومت به عنوان نیروی شکل‌دهنده نظم جدید منطقه‌ای است.



ISA CENTER

International & Strategic
Analysis Center